

تحلیل رابطه فقر اقتصادی و تخریب منابع طبیعی

اصغر فرج‌الهی^۱، ایمان اسلامی^۲، اباذر اشتري مهرجودی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۰

چکیده

فقر روستایی و تأثیر آن بر تخریب منابع طبیعی یکی از چالش‌های عمده توسعه پایدار است. هدف از انجام تحقیق حاضر، تحلیل رابطه فقر روستایی و تخریب منابع طبیعی در جوامع روستایی استان کردستان است. جامعه آماری ۲۷۲۶ خانوار روستایی شهرستان بیجار است که بر اساس فرمول کوکران و تطبیق با جدول کرجسی و مورگان، ۳۳۶ خانوار به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است که پس از تأیید روایی با نظر متخصصان و تایید پایایی با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۸)، مورد استفاده قرار گرفت. مصادیق تخریب منابع طبیعی از دیدگاه ساکنان روستایی در سه بخش عوامل مربوط به دام و دامداری، قطع و برداشت و تغییر کاربری ارزیابی شد. به منظور تفکیک افراد فقیر و غیر فقیر، از خط فقر نسبی و برای محاسبه آن، از روش ۶۶ درصد میانگین کل هزینه ماهانه خانوار استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های کای اسکوتر و t جفتی تحلیل شدند. بر اساس نتایج، خط فقر نسبی سرانه در منطقه مورد مطالعه در سال ۱۳۹۸، مبلغ ۲,۴۶۵,۴۶۰ ریال محاسبه شد که بر اساس آن، ۳۳/۹ درصد روستاییان مشارکت‌کننده در پژوهش، از لحاظ مالی فقیر بودند. با توجه به نتایج، بین فقر ساکنان روستایی و متغیرهای سن، سطح تحصیلات، شغل، بعد و درآمد خانوارها ارتباط آماری معناداری یافت شد. تخریب منابع طبیعی به توسط افراد فقیر به طور معناداری بیشتر از افراد غیر فقیر بود. بنابراین به منظور کاهش تخریب در منطقه مورد مطالعه، بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژگان: خط فقر، هزینه و درآمد، توسعه پایدار، بیجار، کردستان.

۱. دانش‌آموخته دکتری منابع طبیعی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.

asghar.farajolah@gmail.com

۲. استادیار دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تربیت مدرس، نور، ایران. (نویسنده مسئول) . i.eslami@modares.ac.ir

۳. استادیار جامعه‌شناسی پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، ایران. ashtari@hscs.ac.ir

مقدمه

منابع طبیعی کشور طی قرن‌ها، بستر محیط‌زیست، تولید و معاش بوده و به دلیل تنوع اقلیمی و زیستی، امکان استفاده‌های متنوع و متناسب را برای بهره‌برداران فراهم کرده است. تا زمانی که بهره‌برداری از منابع طبیعی در حد توان اکولوژیک آن بوده، هیچ شکلی از انهدام و تخریب منابع طبیعی مشهود نبوده است اما در طی قرن اخیر و با افزایش جمعیت و سطح زندگی و همچنین ارتقای نیازهای بشری، استفاده بی‌رویه و البته خارج از توان اکوسیستم‌ها نمود پیدا کرده و تخریب منابع طبیعی حادث شده است (انصاری و همکاران ۱۳۸۷: ۵۰۸).

جنگل‌تراشی، بیابانزایی، کاهش سطح منابع طبیعی، شورشیدن و هدررفت خاک‌های حاصلخیز و نابودی کشتزارها به واسطه فرسایش خاک از خطرهای تهدیدهای محیط زیستی به شمار می‌آیند (رودگرمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۲). امروزه پیامدهای اقتصادی - اجتماعی رشد سریع جمعیت بیش از هر زمان دیگر موجبات تخریب منابع طبیعی تجدید شونده از جمله جنگل‌ها و مراتع را فراهم آورده است. با توجه به اینکه عامل اصلی تخریب خود بهره‌برداران هستند، بنابراین قبل از انجام هر نوع برنامه اصلاحی باید مسائل اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در آن عرصه را شناخت و بر اساس این مسائل و مشارکت و همکاری خود بهره‌برداران برای هر منطقه برنامه‌ریزی کرد (غلامپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶). تخریب منابع طبیعی و محیط زیست ناشی از بهره‌برداری غیر اصولی روستاییان فقیر از منابع محیطی و طبیعی است که با استفاده‌های مختلفی مانند قطع درختان و بوته‌ها برای سوخت، شدت چرای دام‌ها، تغییر کاربری اراضی مرتعی و جنگلی به زراعی و استفاده از انواع کودها برای حاصلخیزی خاک و برداشت بیشتر محصول است (آگودلو و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۹۲۴).

در این میان فقر، واقعیتهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی است که از دیرباز از بزرگ‌ترین مشکلات انسان بوده که با تبدیل و تغییر انگیزه‌های بقا به اعمال انسانی، شرایط تخریب محیطی و منابع طبیعی را فراهم می‌آورد (شریفی‌نیا و حاجیلویی، ۱۳۸۹: ۶۰). دلایل فقر اقتصاد روستایی از نگاه بانک جهانی به دلیل عواملی همچون پایین بودن میزان درآمد سرانه، بازدهی کم زمین و فرصت‌های محدود شغلی است (رحیمی‌سوره و رضوی، ۱۳۷۵: ۲۸۱). قشرهای فقیر روستایی به دلیل رشد جمعیت، دسترسی محدود یا گسترده به زمین‌های با کیفیت

پایین و منابع محدود و اندک برای سرمایه‌گذاری و مدیریت پایدار منابع فشار فزاینده‌ای را به منابع طبیعی وارد می‌سازند (اسکر^۱، ۲۰۰۰: ۴۸۱). فقر و توزیع نامتعادل درآمد مانعی بر سر راه اجرای بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌ها ایجاد می‌کند و تا زمانی که درآمد نامتوازن برقرار است و فقر گسترده و مزمن پابرجاست حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست از سوی اقشار فقیر با بی‌اعتنایی و یا حتی مخالفت‌هایی مواجه می‌شود (کرمی‌موفق، ۱۳۹۵: ۴). بطوریکه قریب به یک سوم کل جامعه روستایی منطقه زیر خط فقر نسبی قرار گرفتند.

از عوامل اصلی تخریب منابع طبیعی و محیط زیست در اقتصاد رو به تغییر یا توسعه منطقه، فقیر شدن روستاییان بر اثر فشار افزایش جمعیت است. بطوریکه طبق نتایج سرشماری‌ها، جمعیت منطقه طی ۲۰ سال گذشته بیش از ۵ برابر شده است. مارتی^۲، ۲۰۰۹ معتقد است در فناوری کشاورزی سنتی، افزایش جمعیت سبب می‌شود که زمین مناسب برای کشت در دسترس نباشد و فقرا ناگزیر شوند که در حدی افزون بر توان بازتولید منابع طبیعی برای تهیه الوار و سوخت، درختان جنگلی را قطع کنند و دام‌ها را در مراتع بچرانند.

تقریباً تمامی برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران بخش منابع طبیعی کشور بر این نکته اتفاق نظر دارند که این منابع در حال زوال و تخریب هستند و با شیوه‌های کنونی بهره‌برداری، این روند همچنان ادامه خواهد داشت. عوامل مؤثر در این تخریب اگر چه کم و بیش شناسایی و معرفی شده‌اند اما این عوامل به‌طور دقیق و ریشه‌ای به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است (امیری‌لمر و مرادمند جلالی، ۱۳۹۳: ۳۱۱)، اما برای اینکه رابطه ذاتی بین فقر و تخریب منابع طبیعی را بهتر درک کرد باید آن را در معنای دقیق فقر جستجو کرد. بعضی از محققان، فقر را ناتوانی انسان در به دست آوردن یا حفظ کردن امکانات مادی لازم برای معیشت دانسته‌اند که ممکن است ناشی از فقدان استعدادهای جسمی یا روحی خواه به صورت موقتی یا دائم و یا فراهم نبودن شرایط اجتماعی و اقتصادی لازم برای استفاده از استعدادها و منابع موجود باشد (افتخاری، ۱۳۹۰). فقر همچنین ناتوانی انسان در برآورده ساختن حد کافی نیازهای بنیادی خود، به منظور رسیدن به یک زندگی آبرومند به عنوان شرط لازم برای رسیدن به کمال معرفی شده است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۰). یا فقر شرایطی

1. Scherr

2. Murty

اجتماعی و اقتصادی تعریف شده که در آن دسترسی به کالاها و خدمات کمتر از حد آستانه است. اغلب این آستانه با توجه به درآمد پولی هر خانوار تعریف می‌شود (وارف^۱، ۲۰۰۶: ۲۳). رابطه آشکار و ثابت شده‌ای بین فقر و تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست تحت عنوان "اصل نابودسازی اکوسیستم از سر ناچاری و اجبار با توصیف توسط اقشار فقیر" وجود دارد که باعث می‌شود فقر را به عنوان یک عامل تسریع و تشدید کننده تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به شمار آورد.

عامل اصلی تخریب منابع طبیعی، خود بهره‌برداران و ساکنان روستایی هستند، بنابراین قبل از انجام هر نوع برنامه اصلاحی و مدیریتی، باید مسائل اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در آن عرصه را شناخت و بر اساس این مسائل برنامه‌ریزی انجام داد. شهرستان بیجار یک منطقه مهم و با ارزش از لحاظ عرصه‌های منابع طبیعی است و زندگی تعداد زیادی از روستاییان مستقما به بهره‌برداری از این منابع با ارزش طبیعی و مراتع منطقه رقم خورده است اما در سالیان اخیر مراتع این منطقه در معرض تغییر کاربری و تخریب قرار گرفته است. چنانچه، عوامل زیادی بر تخریب منابع طبیعی نقش دارند که در این بین، فقر اقتصادی نقش بارز و اساسی دارد و در واقع رویکرد تغییر کاربری‌های منابع طبیعی به زراعی و تخریب آنها در راستای رفع همین فقر و بهبود وضعیت مالی تویط ساکنان روستایی انجام شده است. بنابراین هدف از انجام این پژوهش، بررسی ارتباط فقر اقتصادی و مالی با تخریب منابع طبیعی در استان کردستان است تا با دستیابی به نتایج تحقیق و تحلیل ارتباط متغیرهای مورد مطالعه، بتوان با بیان راهکارهای اجرایی و مدیریتی، از تخریب منابع طبیعی جلوگیری کرد و با حفظ منابع طبیعی، توسعه پایدار را برای ساکنان روستایی در منطقه مورد مطالعه به ارمغان آورد.

پیشینه تحقیق

صلاحی‌اصفهانی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی در شهرستان پاکدشت، تحلیل فضایی فقر روستایی در سکونت‌گاه‌های روستایی را با استفاده از روش‌های خودهمبستگی فضایی انجام دادند و روستاهای منطقه مورد مطالعه را در طیف‌های فقر خیلی زیاد تا خیلی کم طبقه‌بندی

کردند. داودی فارسانی و نوری‌پور (۱۳۹۵: ۷۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین فقر اجتماعی- اقتصادی روستایی و تخریب مراتع شهرستان فارسان پرداختند و بر حسب نتایج، میزان تخریب مراتع توسط پاسخگویان فقیر به طرز معنی داری بیشتر از پاسخگویان غیر فقیر بود. شریفی‌نیا و مهدوی حاجیلویی (۱۳۹۰) در بررسی نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط زیست در مرتع شوررود شهرستان زابل، نشان دادند پایین بودن متوسط درآمد سرانه خانوارهای روستایی، بازدهی پایین مرتع و عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی، عامل فقر اقتصادی و سطح پایین تحصیلات خانوار روستایی و بالا بودن بعد خانوار، عامل فقر اجتماعی روستایان استفاده‌کننده از مرتع بوده است.

پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی فقر روستایی در بخش خلجستان قم نشان دادند که عوامل اقتصادی در مقایسه با عوامل اجتماعی در شکل‌گیری فقر در منطقه مورد مطالعه نقش بیشتری دارند.

انصاری و همکاران (۱۳۸۷) فقر از سویی دیگر، موقعیت‌های اجتماعی فقرا را ضعیف‌تر می‌کند و دخالت آنها در امور اجتماعی را کاهش می‌دهد. در کنار عوامل مذکور، سیاست‌های اقتصادی و سیاسی نیز در فقیر کردن مردم موثر هستند.

دسیدزیچ (۲۰۰۷)، در تحقیقی تحت عنوان عوامل اجتماعی- اقتصادی موثر در تخریب منابع طبیعی کشور و سهم آنها در تخریب، نشان دادند که از نظر بهره‌برداران و کارشناسان، مهمترین عامل در تخریب منابع طبیعی کشور، عوامل مربوط به دام و دامداری شامل افزایش تعداد دام و دامدار، چرای بی‌رویه دام و تضادهای بین استفاده‌کنندگان از مراتع است.

ون نوردویک^۱ (۲۰۱۹)، در تحقیقی مدیریت یکپارچه منابع طبیعی را به عنوان مسیر کاهش فقر بیان و شیوه‌های نوآورانه، نهادها و سیاست‌ها را در این زمینه تحلیل کردند.

فیشر^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نشان دادند افراد فقیر از طریق تبدیل و تغییر کاربری اراضی مرتعی به کشاورزی موجب تخریب منابع طبیعی می‌شوند.

نیومن^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی نیروی محرکه‌های اقتصادی- اجتماعی و زیست فیزیکی تغییر پوشش زمین در نواحی جنگلی کارائیب در جامائیکا بیان کردند اگر نیروی

1. Van Noordwijk

2. Fisher

محركه‌های جنگل‌زدایی تغییر نکنند، شاهد جنگل‌زدایی در ذخایر جنگلی بخصوص در بلوک‌های پراکنده جنگلی خواهیم بود و پیشنهاد کردند که راهبردهای حفاظتی و مدیریتی باید مرتبط با تقویت مسائل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با احیای جنگل و زیستگاه‌های پراکنده باشد. احمد^۲ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه فقر، تخریب محیط زیست و رشد اقتصادی در هند پرداخت و به این نتیجه رسید که افزایش فعالیت‌های اقتصادی از قبیل کشاورزی و افزایش تولید باعث تخریب منابع طبیعی می‌شود. نتایج تحقیق نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین فقر و تخریب منابع طبیعی وجود دارد و دلیل اصلی تخریب منابع طبیعی را فقر و عدم آگاهی نسبت به محدودیت منابع بیان کرد.

اسوینتن^۳ و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان فقر و محیط زیست در آمریکای لاتین، نشان دادند که فقر باعث تخریب مراتع، تخریب خاک و از دست رفتن تنوع زیستی می‌شود و بیکاری افراد و کسب درآمد، قطع اشجار جهت مصرف سوخت و ساخت و ساز و آتش سوزی جهت افزایش حاصلخیزی را به عنوان عوامل تخریب منابع طبیعی بیان کردند.

خان^۴ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی رابطه فقر و تخریب پوشش جنگل در مناطق روستایی پاکستان را بررسی کردند. مطالعه آنان شامل دو مرحله بود که در مرحله اول از سیستم اطلاعات جغرافیایی برای تجزیه و تحلیل وضعیت زمانی و مکانی محیط و در مرحله دوم از پرسشنامه خودساخته برای جمع آوری اطلاعات اولیه از ۴۲۰ خانوار منتخب مناطق روستایی استفاده شد. شاخص فقر چندبعدی نیز برای اندازه‌گیری میزان فقر جمعیت استفاده شد. نتایج نشان داد ۵۵ درصد خانوارها زیر خط فقر بودند و تقریباً ۹۵ درصد خانوارها برای مقاصد پخت و پز از چوب استفاده می‌کنند. در این مطالعه بیان می‌شود وابستگی زیاد به منابع طبیعی باعث تخریب پوشش جنگل و سوختن بیش از حد چوب باعث انتشار CO₂ شده که نتیجه آن تخریب محیط زیست است. ضمناً بخش عمده‌ای از جمعیت در مناطق شیب‌دار با خطرات خاص زندگی می‌کردند که تهدید سیل را در بر دارد. محققان در انتها بیان می‌کنند که بین فقر چندبعدی و تخریب پوشش جنگل ارتباط مستقیمی وجود دارد که به خطرات آب و هوایی و محیط زیست منجر می‌شود.

-
1. Newman
 2. Ahmad
 3. Swinton
 4. Khan

در بررسی پیشینه تحقیق به چند مورد می‌رسیم، اول آنکه، در بیشتر مطالعات تخریب و تصرف منابع طبیعی نتیجه عامل انسانی است تا شرایط و بحران‌های اقلیمی نظیر خشکسالی، سیل و دوم، در مطالعات موجود تحلیل عوامل انسانی موثر، حاکی از آنست که، فقر فکری و فرهنگی (ناآگاهی) یا ضعف اقتصادی (فقر انسانی) جامعه محلی وابسته به سکونت‌گاه‌های مرتعی یا جنگلی تاثیرگذار است و همچنین ناشی از تفکر توسعه‌ای و رشد نابجای فعالیت‌های اقتصادی (کشاورزی و معادن) و تغییر کاربری‌هایی است. مشخص است مطالعه فقر و رابطه آن با تخریب منابع طبیعی نیاز به تعریف شاخص‌های چندبعدی دارد که پارامترهای مختلف اجتماعی-اقتصادی و اکولوژیکی را در بر می‌گیرد و در این بین باتوجه به مفاهیم خط فقر مطلق و نسبی توجه به درآمد و رفاه اجتماعی بهره‌برداران ساکن در بستر محیط زیست و منابع طبیعی، بسیار حائز اهمیت است و همچنین نیازمند تحقیقات بیشتری در این خصوص باتوجه به پیچیدگی رابطه میان پدیده‌های اجتماعی و زیست محیطی دارد.

چارچوب نظری

پدیده فقر از نظر بسیاری از مکاتب فکری و متخصصان علم اقتصاد به عنوان پدیده کلان اقتصادی بررسی شده است. با این حال در تعدادی از مطالعات فقر پدیده خرد اقتصادی در نظر گرفته شده است که می‌توان با استفاده از مبانی اقتصاد خرد به تجزیه و تحلیل آن پرداخت (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۶). توماس ریردان فقر در مناطق روستایی را عامل فشار بر منابع طبیعی می‌داند (حیدری ساریان، ۱۳۸۵: ۲۶۸) و فقر به خودی خود ناپایداری می‌آفریند زیرا فقر محرومیت است و محرومیت روستائیان از درآمد کافی، آموزش، تساوی فرصت‌های مشارکت و اتکای صرف به منبع درآمدی واحد، آنها را وادار می‌کند تا برای یک روز زندگی بیشتر آنچه را که نیاز دارند از محیط زیست بردارند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۷: ۲۱).

در همین رابطه، مهمترین نظریه‌ای که امکان تبیین وضع موجود منطقه را می‌دهد، نظریه فرهنگ فقر است که در اصل با عنوان «خرده‌فرهنگ فقر» نام‌گذاری شده است. فرهنگ فقر، مفهومی است که نخستین بار در سال ۱۹۵۹، در نوشته‌های اسکار لوویس پدیدار شد. نظریه فرهنگ فقر بر این اساس است که تطبیق با شرایط ساختاری و اقتصادی فقر، ویژگی‌های

اجتماعی و روان‌شناختی انحرافی را ترویج می‌دهد که به نوبه‌خود به‌عنوان موانعی برای غلبه بر فقر عمل می‌کنند. زمانی که فرهنگ فقر ظهور پیدا می‌کند، به‌واسطه انتقال ویژگی‌هایش به نسل آینده، بازتولید می‌شود. با این شرایط، می‌توان گفت قدرت راه‌حل‌های اقتصادی برای پایان‌دادن به فقر، محدود است. لوئیس معتقد است که کار اجتماعی و مداخله‌های روان‌شناختی، توأم با پاسخ اقتصادی به فقر، امکان موفقیت و کاهش فرهنگ فقر را پدید خواهد آورد. نظریه فرهنگ فقر، نظریه‌ای مبتنی بر طبقه است. بر همین اساس، ساختار اقتصادی را به‌عنوان شرایط اولیه‌ای فرض می‌کند که به افزایش فرهنگ فقر منجر می‌شود. احتمال بیشتری وجود دارد که فرهنگ فقر طی دوره‌های انتقالی، همچون تغییر از جامعه کشاورزی به صنعتی یا زمانی که دگرگونی‌های سریع اقتصادی و فناورانه درون یک جامعه معین رخ می‌دهد، ظاهر شده باشد. اگرچه تعارض‌های نژادی/ قومی، می‌تواند عاملی در ظهور فرهنگ فقر باشد، اما شرط لازم نیست. بطوریکه لوئیس مدعی است فرهنگ‌های فقر در بین جمعیت‌های قومی همگن در آمریکای لاتین و در میان سفیدپوستان فقیر روستایی و آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار ایالات متحده شکل می‌گیرد. اقشاری که در معرض بیشترین میزان فرهنگ فقر قرار دارند، کارگران غیر ماهر با دستمزد اندک هستند که نرخ بالایی از بیکاری یا نیمه‌بیکاری را در جوامع سرمایه‌داری تجربه می‌کنند، جوامعی که بر تحرک اجتماعی تأکید می‌کنند (دقیقاً همین شرایط دو قوم ترک و کرد در منطقه و وضعیت ضعیف اقتصادی مردم در کنار انتقال جامعه از حوزه کشاورزی به غیر کشاورزی).

اما به طور عملی در محاسبات مربوط به فقر بایستی از یک شاخص استاندارد زندگی استفاده و معیارها و شاخص‌ها را بر اساس آن محاسبه کرد. از جمله این شاخص‌ها که محققان در تحقیقات خود نامبرده‌اند، می‌توان به هزینه‌های ناخالص، هزینه‌های خالص، درآمد ناخالص، درآمد خالص و یا مصرف یک سبد خاص از کالاها اشاره کرد (داودی‌فارسانی، ۱۳۹۳: ۱۸). در تعریف فقر، مفهوم مطلق یا نسبی بودن در نظر گرفته می‌شود و آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین افراد فقیر و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند که این آستانه خط فقر نامیده می‌شود (ارضروم‌چیلر، ۱۳۸۴: ۱۳). راولین^۱ خط فقر را مخارجی که فرد در زمان و مکان معین برای

دستیابی به یک سطح حداقل رفاه انجام می‌دهد را بیان می‌کند و افرادی که به این سطح دسترسی ندارند را فقیر و کسانی که به این سطح حداقلی رفاه دسترسی دارند را غیر فقیر برمی‌شمارد. خط فقر به دو دسته خط فقر مطلق و خط فقر نسبی تقسیم بندی می‌شود.

در بخش‌های روستایی، نیازهای اساسی به شکل‌های مختلفی مانند استفاده از منابع طبیعی (هیزم، فضولات حیوانی و مانند اینها) برای سوخت، چرای بی‌رویه دام، تغییر کاربری اراضی جنگلی و مرتعی به زراعی، استفاده از کود شیمیایی برای حاصلخیزی زمین و برداشت بیشتر محصول که آلودگی محیط زیست و به ویژه آب‌های جاری را موجب می‌شود (آلودلو و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۹۲۴) نمود و بروز می‌یابد. در مناطق روستایی بی‌بهره و محروم، که فاصله‌شان از مراکز شهری و مناطق بهرهمند دور است، فقر اقتصادی و عدم توانایی تأمین انرژی از طریق انرژی فسیلی و ناتوانی از تأمین خوراک دام از طریق تولید صنعتی، باعث می‌شود تا افراد ساکن در روستا مایحتاجشان را در محیط زیست اطراف زندگی جستجو کنند (رحیمی، ۱۳۸۰: ۲۱۴).

محدوده مورد مطالعه

در این تحقیق روستاهای شهرستان بیجار مورد مطالعه قرار گرفتند که در استان کردستان و غرب ایران واقع است. متوسط بارش سالانه ۳۳۴ میلی‌متر و آب و هوای منطقه بر اساس روش آمبرژه نیمه خشک است. بیجار ۱۹۴۸ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و از سنجندج مرکز استان کردستان ۱۴۲ کیلومتر فاصله دارد. تعداد خانوار در بخش مدنظر شهرستان جهت مطالعه، ۲۷۲۶ و جمعیت آن ۹۰۲۹ نفر است که تعداد ۴۴۵۵ نفر آنها مرد و ۴۵۷۴ نفر زن هستند. این بخش دارای ۵۷ آبادی دارای سکنه است گروه سنی ۰-۱۴ ساله، ۲۰۳۲ نفر و گروه های سنی ۱۵-۶۴ و ۶۵ ساله و بیشتر به ترتیب ۶۰۸۸ و ۹۰۹ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس هدف انجام تحقیق، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از روش پیمایشی، گردآوری داده‌ها انجام گرفته است. در جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق، از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. پرسشنامه مشتمل بر ویژگی‌های جمعیت

شناختی افراد، دارایی‌های اقتصادی (درآمدها و هزینه‌های خانوار) و مصادیق تخریب منابع طبیعی بود. پس از تأیید روایی پرسشنامه توسط کارشناسان و متخصصان، پایایی آن ۰/۷۸ به دست آمد که نشان از اعتماد مناسب پرسشنامه ایجاد شده بود.

در این تحقیق، از روش اندازه‌گیری خط فقر بر اساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها استفاده شد. این روش که بر پایه مفهوم فقر نسبی استوار است، ابتدا میانگین مخارج محاسبه می‌شود، سپس در مرحله بعد، ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج (البته تعیین این درصد به صورت اختیاری و تجربی است) به عنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود (ارضروم‌چیلر، ۱۳۸۴: ۱۴).

برای سنجش فقر و طبقه‌بندی افراد، با استفاده از فرم هزینه درآمد خانوار، کل هزینه‌های ماهیانه مربوط به هر خانوار، شامل هزینه‌های خوراکی و هزینه‌های غیر خوراکی مشخص شد. در مرحله بعد ۶۶ درصد میانگین مخارج کل خانوار محاسبه و تقسیم بر بعد خانوار شد و خط فقر سرانه به دست آمد. پس از تعیین خط فقر با مقایسه هزینه‌های ماهیانه، افراد فقیر و غیر فقیر تفکیک شدند و افراد دارای هزینه‌های کمتر از خط فقر، فقیر محسوب شدند.

در ارتباط با تخریب منابع طبیعی نیز مصادیق تخریب منابع طبیعی با استفاده از پیشینه تحقیق و نظر خبرگان تعیین شد و بر اساس مقیاس طیفی لیکرت عوامل مربوط به دام و دامداری، عوامل مربوط به قطع و برداشت و عوامل تغییر کاربری در ارتباط با تخریب منابع طبیعی امتیازدهی شدند.

جامعه آماری در این پژوهش شامل ۲۷۲۶ خانوار روستایی ساکن در بخش مورد مطالعه بودند که بر اساس فرمول کوکران و تطبیق با جدول کرجسی و مورگان ۳۳۶ خانوار به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به نسبت جمعیت روستاها بین آنها تقسیم شدند.

روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی با انتساب به کار گرفته شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، از روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، میانگین و انحراف معیار به منظور برآورد توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی و فقر و تخریب منابع طبیعی استفاده شد. جهت بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بین پاسخگویان فقر و غیر فقیر از آزمون های t جفتی و کای اسکور استفاده شد و به منظور تحلیل ارتباط تخریب منابع طبیعی با فقر

ساکنان روستاهای مورد مطالعه از آزمون t جفتی استفاده شد. تحلیل‌های انجام‌شده در این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS 16 انجام گرفت.

یافته‌ها

بر حسب یافته‌های جدول ۱، ۲۸۸ نفر (۸۵/۷٪) ساکنان روستایی مشارکت‌کننده در پژوهش مرد بودند. اکثریت ساکنان مورد مطالعه با تعداد ۱۲۶ نفر (۳۷/۵٪) در محدوده سنی ۳۱-۴۰ سال قرار داشتند و ۹۳/۴ درصد افراد متاهل بودند. ۳۹/۳ درصد روستاییان بی‌سواد و ۳۳/۹ درصد دارای تحصیلات زیردیپلم بودند. در ۴۰/۲ درصد نمونه‌های مورد مطالعه، بعد خانوار ۴ نفر بوده است. اکثریت افراد (۸۰/۳٪) کشاورز و دامدار بودند و درآمد ماهانه اکثریت ساکنان منطقه مورد مطالعه بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان بوده است. در ۶۹/۷ درصد خانوارها، نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار، کمتر از نصف تعداد بعد خانوار یا به عبارت دیگر در محدوده ۰-۵۰٪ قرار داشتند (جدول ۱).

جدول ۱. تعداد و درصد فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ساکنان روستاهای مورد مطالعه

ردیف	ویژگی فردی	طبقه‌بندی	تعداد	درصد
۱	جنسیت	مرد	۲۸۸	۸۵/۷
		زن	۴۸	۱۴/۳
۲	سن	۲۰-۳۰	۳۶	۱۰/۷
		۳۱-۴۰	۴۸	۱۴/۳
		۴۱-۵۰	۱۲۶	۳۷/۵
		۵۱-۶۰	۸۴	۲۵
۳	وضعیت تاهل	بیشتر از ۶۰ سال	۴۲	۱۲/۵
		مجرد	۲۲	۶/۶
		متاهل	۳۱۴	۹۳/۴
۴	سطح تحصیلات	بی‌سواد	۱۳۲	۳۹/۳
		زیردیپلم	۱۱۴	۳۳/۹
		دیپلم	۴۲	۱۲/۵
		دانشگاهی	۵۶	۱۴/۳

ادامه جدول ۱. تعداد و درصد فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی ساکنان روستاهای مورد مطالعه

ردیف	ویژگی فردی	طبقه‌بندی	تعداد	درصد
۵	بعد خانوار (نفر)	۱-۳	۱۰۹	۳۲/۴
		۴	۱۳۵	۴۰/۲
		بیشتر از ۴	۹۲	۲۷/۴
۶	شغل	کشاورزی و دامداری	۲۷۰	۸۰/۳
		کارمند	۱۲	۳/۶
		آزاد	۱۲	۳/۶
		بیکار	۴۲	۱۲/۵
		کمتر از ۱	۱۲	۳/۶
۷	درآمد ماهانه (میلیون تومان)	۱-۱/۵	۱۳۴	۳۹/۹
		۱/۵-۲	۱۰۶	۳۱/۶
		بیشتر از ۲	۸۴	۲۵
۸	نسبت افراد درآمد زا به بعد خانوار	۰-۰/۲۵	۶۰	۱۷/۹
		۰/۲۶-۰/۵۰	۱۷۴	۵۱/۸
		۰/۵۱-۰/۷۵	۸۴	۲۵
		۰/۷۶-۱	۱۸	۵/۴

منبع: یافته‌های پژوهش

وضعیت هزینه‌های ماهانه خوراک، غیر خوراک و هزینه کل خانوار در جدول ۲ نشان داده شده است که بر اساس آن، میانگین هزینه‌های خوراک و غیر خوراک به ترتیب حدود ۷۴۵ و ۷۷۸ هزار تومان و میانگین هزینه کل ۱ میلیون و ۵۲۴ هزار تومان برآورد شده است (جدول ۲).

جدول ۲. وضعیت هزینه‌های ماهانه خوراک، غیر خوراک و هزینه کل خانوار (هزار تومان)

وضعیت هزینه	انحراف معیار $\pm$ میانگین	حداقل	حداکثر
خوراک	$178/19 \pm 745/5$	۴۰۰	۱۳۰۰
غیرخوراک	$164/83 \pm 778/6$	۵۰۰	۱۰۰۰
کل	$292/01 \pm 1524/1$	۹۰۰	۲۳۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

به منظور تفکیک افراد فقیر و غیر فقیر، از خط فقر نسبی و برای محاسبه آن، از روش ۶۶ درصد میانگین کل هزینه ماهانه خانوار استفاده شد. با توجه به یافته‌ها، خط فقر سرانه ۲۴۶۵۴۶۰ ریال برآورد شد. بنابراین، با توجه به مقایسه هزینه‌های کل ماهیانه با خط فقر، ۳۳/۹ نفر افراد زیر خط فقر و فقیر تشخیص داده شدند (جدول ۳).

جدول ۳. وضعیت فقر ساکنان روستایی منطقه مورد مطالعه

وضعیت فقر	تعداد	درصد
فقیر	۱۱۴	۳۳/۹
غیر فقیر	۲۲۲	۶۶/۱
کل	۳۳۶	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های تحقیق، میانگین سنی ساکنان روستایی فقیر حدود ۵۴ سال و روستاییان غیر فقیر حدود ۴۳ سال بوده است و این اختلاف در سطح ۱ درصد معنادار است. همچنین بعد خانوار روستاییان فقیر به طور معناداری بیشتر بوده است. درآمد ماهانه افراد غیر فقیر به طور معناداری بیشتر از افراد فقیر بود. اما در ویژگی نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار تفاوت آماری معناداری بین دو قشر فقیر و غیر فقیر ملاحظه نشد (جدول ۴).

جدول ۴. مقایسه میانگین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بین پاسخگویان فقیر و غیر فقیر

متغیر	انحراف معیار $\pm$ میانگین		سطح معناداری	آماره t
	پاسخگویان فقیر	پاسخگویان غیر فقیر		
سن	$53/9 \pm 7/85$	$43/2 \pm 9/64$	۰/۰۰۰۱	$10/959^{**}$
بعد خانوار	$5/63 \pm 1/04$	$3/84 \pm 0/95$	۰/۰۰۰۱	$15/409^{**}$
درآمد ماهانه (تومان)	$1786/5 \pm 468/7$	$1910/5 \pm 482/2$	۰/۰۲۵	$2/254^*$
نسبت افراد درآمدزا	$0/50 \pm 0/16$	$0/47 \pm 0/17$	۰/۰۹۰	۱/۷۰۰

*: در سطح ۵٪ معنادار است **: در سطح ۱٪ معنادار است ns: عدم وجود ارتباط معنادار

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از آزمون کای اسکوئر در ارتباط با مقایسه میانگین سطح تحصیلات ساکنان روستایی فقیر و غیر فقیر نشان دهنده ارتباط آماری معنادار فقر روستاییان با سطح تحصیلاتشان بود به طوری که ۷۲/۷ درصد روستاییان بیسواد فقیر بودند و فقط ۱۲/۵ درصد افراد دارای سطح تحصیلات دانشگاهی زیر خط فقر بودند (جدول ۵).

جدول ۵. مقایسه میانگین سطح تحصیلات بین پاسخگویان فقیر و غیر فقیر

متغیر	تعداد (درصد)				
	بیسواد	زیردیپلم	دیپلم	دانشگاهی	X^2
فقیر	۹۶ (۷۲/۷)	۱۲ (۱۰/۵)	-	۶ (۱۲/۵)	۲۴/۶۴۸**
غیر فقیر	۳۶ (۲۷/۳)	۱۰۲ (۸۹/۵)	۴۲ (۱۰۰)	۴۲ (۸۷/۵)	۰/۰۰۰۱
*: در سطح ۵٪ معنادار است **: در سطح ۱٪ معنادار است ns: عدم وجود ارتباط معنادار					
منبع: یافته‌های تحقیق					

همچنین نتایج مقایسه میانگین وضعیت شغلی پاسخگویان فقیر و غیر فقیر در منطقه مورد مطالعه نشان داد که بین شغل روستاییان و فقر آنها در سطح ۵ درصد ارتباط آماری معناداری وجود دارد و ۷۱/۴ درصد افراد بیکار فقیر و فقط ۳/۸ درصد کارمندان زیر خط فقر قرار داشتند (جدول ۶).

جدول ۶. مقایسه میانگین وضعیت شغلی پاسخگویان فقیر و غیر فقیر

متغیر	تعداد (درصد)				
	کشاورز و دامدار	کارمند	آزاد	بیکار	X^2
فقیر	۷۲ (۲۶/۷)	۱ (۸/۳)	۴ (۳۳/۳)	۳۰ (۷۱/۴)	۱۰/۳۷۲*
غیر فقیر	۱۹۸ (۷۳/۳)	۱۱ (۹۱/۷)	۸ (۶۶/۶)	۱۲ (۲۸/۶)	۰/۰۱۶
*: در سطح ۵٪ معنادار است **: در سطح ۱٪ معنادار است ns: عدم وجود ارتباط معنادار					
منبع: یافته‌های تحقیق					

اولویت‌بندی مصادیق تخریب منابع طبیعی در جدول ۷ نشان داد که از نظر ساکنان روستاهای منطقه مورد مطالعه، تبدیل به کاربری زراعی، چرای طولانی دام و چرای زودرس دام با میانگین‌های ۳/۸۲، ۳/۵۲ و ۳/۱۱ به ترتیب مهم‌ترین علل تخریب منابع طبیعی هستند. در بعد قطع و برداشت، عامل قطع و سرشاخه‌زنی درختان با میانگین ۲/۹۸، مهم‌ترین عامل در میان تاثیر عوامل قطع و برداشت در تخریب منابع طبیعی بود (جدول ۷).

جدول ۷. اولویت‌بندی مصادیق تخریب منابع طبیعی

ابعاد	گویه‌ها	انحراف معیار $\pm$ میانگین	ضریب تعییرات
عوامل مربوط به دام	افزایش تعداد دام	$3/02 \pm 1/14$	۰/۳۸
	چرای زودرس دام	$3/11 \pm 1/03$	۰/۳۳
	چرای سنگین دام	$2/82 \pm 1/10$	۰/۳۹
	چرای طولانی دام	$3/52 \pm 1/20$	۰/۳۴
	رقابت در چرای دام	$3/05 \pm 1/23$	۰/۴۰
عوامل مربوط به قطع و برداشت	بوته‌کشی جهت سوخت	$2/48 \pm 1/13$	۰/۴۶
	قطع و سرشاخه‌زنی درختان	$2/98 \pm 1/25$	۰/۴۲
	استفاده از چوب درختان برای هیزم	$2/55 \pm 1/21$	۰/۴۷
	برداشت محصولات فرعی مرتعی	$2/64 \pm 1/16$	۰/۴۴
عوامل مربوط به تغییر کاربری	تبدیل به کاربری زراعی	$3/82 \pm 0/93$	۰/۲۴
	تبدیل به کاربری عمرانی	$2/21 \pm 0/88$	۰/۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق نتایج آزمون تی مستقل، بین پاسخگویان فقیر و غیر فقیر در ارتباط با عوامل مربوط به دام و تغییر کاربری و همچنین تخریب کل منابع طبیعی اختلاف آماری معناداری در سطح ۱ درصد یافت شد و این عوامل از نظر پاسخگویان فقیر میانگین رتبه‌ای بیشتری به خود اختصاص داده است اما از لحاظ عوامل مربوط به قطع و برداشت بین دو قشر مورد مطالعه تفاوت آماری معناداری یافت نشد (جدول ۸).

جدول ۸. مقایسه میانگین تخریب منابع طبیعی بین پاسخگویان فقیر و غیر فقیر

متغیر	انحراف معیار $\pm$ میانگین		آماره t	سطح معناداری
	پاسخگویان فقیر	پاسخگویان غیر فقیر		
عوامل مربوط به دام	$3/23 \pm 0/52$	$3/04 \pm 0/51$	$3/296^{**}$	۰/۰۰۱
قطع و برداشت	$2/70 \pm 0/69$	$2/65 \pm 0/59$	۰/۶۳۸	۰/۵۲۴
تعییر کاربری	$3/13 \pm 0/56$	$2/96 \pm 0/57$	$2/619^{**}$	۰/۰۰۹
تخریب کل	$3/02 \pm 0/37$	$2/88 \pm 0/37$	$3/231^{**}$	۰/۰۰۱

*: در سطح ۵٪ معنادار است **: در سطح ۱٪ معنادار است ns: عدم وجود ارتباط معنادار

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

با عنایت به ویژگی‌های بسیار گسترده نظریه فرهنگ فقر اسکار لوئیس و یافته‌های تحقیق می‌توان گفت، در حال حاضر بسیاری از خانوارهای روستایی در زیر خط فقر به سر می‌برند و در عین حال به منظور برآورده کردن نیازهای مالی و اقتصادی خود ناخواسته به اقداماتی مانند تخریب منابع طبیعی و محیط زیست دست می‌زنند که شاید در کوتاه مدت مشکلات مالی آنها را حل و درآمدزایی برای آنها داشته باشد اما با گذشت زمان و در طولانی مدت توسعه پایدار روستاها را با خطر مواجه کرده و زمینه فقر بیشتر و دور باطل آنها فراهم می‌آورد. بنابراین در این تحقیق ارتباط فقر روستایی و تخریب منابع طبیعی در شهرستان بیجار به عنوان نماینده‌ای از وضعیت موجود استان کردستان بررسی و تحلیل شد. با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، ۳۳/۹ درصد ساکنان روستایی در تحقیق حاضر فقیر بوده و زیر خط فقر قرار دارند در حالیکه حدود دو سوم آنها غیر فقیر هستند.

با افزایش سن افراد، به طور معناداری فقر افزایش یافته و این نشان‌دهنده آن است که با نزدیک شدن افراد به سن بازنشستگی و دوران کهولت، فقر گسترده‌تر می‌شود و نرخ آن افزایش می‌یابد که این بخش از نتایج با یافته‌های داودی‌فارسانی و نوری‌پور (۱۳۹۵: ۷۴) و عمرانی و همکاران (۱۳۸۸: ۳۶) مطابقت دارد.

نتایج تحقیق نشان‌دهنده ارتباط آماری معنادار فقر ساکنان روستایی با سطح تحصیلاتشان بود به طوری که با افزایش سطح تحصیلات میزان فقر کاهش می‌یابد و از ۷۲/۷ درصد در روستاییان بیسواد به ۱۲/۵ درصد افراد دارای سطح تحصیلات دانشگاهی رسید. این موضوع نشان‌دهنده اثر تحصیلات در ایجاد اشتغال افراد و تغییر دیدگاه آنها در فعالیت‌های روستایی و کسب درآمد بیشتر است که با نتایج مطالعات داودی‌فارسانی و نوری‌پور (۱۳۹۵: ۷۴)، شریفی‌نیا و مهدوی حاجیلویی (۱۳۹۰: ۶۷)، البرز و همکاران (۱۳۸۶: ۱۳۵) و همچنین رحیمی و محمدی (۱۳۸۶: ۱۲۰) مطابقت دارد. می‌توان گفت با افزایش بعد خانوار، میزان فقر افزایش معناداری یافته و این نشان از افزایش هزینه‌های بیشتر و بالارفتن هزینه‌های زندگی در خانوار است. در تحقیق البرز و همکاران (۱۳۸۶: ۱۳۶) نشان داده شد که هرچه بعد خانوار بیشتر می‌شود احتمال فقیر یا شبه فقیر بودن سرپرست خانوار افزایش می‌یابد. همچنین رحیمی و محمدی (۱۳۸۶:

۱۱۹) بیان کردند با افزایش بعد خانوار، احتمال قرار گرفتن خانوارهای جدید در گروه خانوارهای فقیر افزایش می‌یابد و این موضوع حاکی از عدم وجود صرفه‌جویی ناشی از بعد خانوار در میان خانوارهای روستایی است. همچنین بین وضعیت اشتغال ساکنان روستاها و وضعیت فقر آنها نیز ارتباط معناداری یافت شد و افراد بیکار درصد فقر بیشتری داشتند که با نتایج البرز و همکاران (۱۳۸۶: ۱۳۵) و داودی‌فارسانی و نوری‌پور (۱۳۹۵: ۷۴) همخوانی دارد.

در این تحقیق گویه‌های یا عوامل متعددی در ارتباط با تخریب منابع طبیعی در قالب کلی سه بعد دام و دامداری، قطع و برداشت و تبدیل کاربری در روستاهای مورد مطالعه بررسی شد. بر اساس دیدگاه ساکنان، تبدیل مراتع و جنگل به کاربری زراعی، چرای طولانی دام و چرای زودرس دام با میانگین‌های ۳/۸۲، ۳/۵۲ و ۳/۱۱ به ترتیب مهم‌ترین علل تخریب منابع طبیعی هستند. با توجه به نتایج تحقیق، میانگین میزان تخریب منابع طبیعی به وسیله پاسخگویان فقیر به طور معناداری بیشتر از پاسخگویان غیر فقیر بود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات داودی‌فارسانی و نوری‌پور (۱۳۹۵: ۷۴)، فیشر و همکاران (۲۰۱۴: ۳۴)، احمد (۲۰۱۲: ۶۱) و اسویتن و همکاران (۲۰۰۳: ۱۸۶۵) مطابقت دارد.

مطابق نتایج، عوامل مربوط به دام و دامداری و تغییر کاربری از نظر پاسخگویان فقیر، به طور معناداری در تخریب منابع طبیعی موثر بوده‌اند. همواره دام و اراضی زراعی به عنوان دو منبع اصلی تأمین معاش روستایی مطرح بوده‌اند و در زمان‌هایی که ساکنان روستایی از لحاظ اقتصادی در وضعیت نامناسبی قرار دارند به دلیل عدم توانایی در تأمین نهاده‌های دامی و علوفه و آذوقه، فشار بیشتری به مراتع وارد کرده و شدت چرای دام و زمان چرای دام افزایش می‌یابد، این اثر، زمانی شدت بیشتری را از خود بر جای می‌گذارد که ساکنان روستایی برای بهبود وضعیت اقتصادی خود به تغییر کاربری اراضی مرتعی و جنگلی اقدام کرده و با تبدیل آنها به اراضی زراعی، مراتع و اراضی منابع طبیعی کمتری را در دسترس دام‌هایشان باقی می‌گذارند کما اینکه همین اراضی زراعی نیز پس از یک تا چند سال به دلیل بازدهی پایین رها شده و به اراضی تخریب‌شده تبدیل می‌شود. و این خود به عنوان ماشه و محرکی برای فقر بیشتر در این مناطق عمل می‌کند و در واقع با تصمیم‌گیری‌های غیر اصولی ناشی از شرایط اقتصادی ضعیف و فقر و آموزش پایین در این زمینه، فقر بیشتری حادث می‌شود. می‌توان ابراز کرد که فقر مالی و

اجتماعی ساکنان روستایی، فقرزایی می‌کند. این شکل از فقر در منطقه مورد بحث همسو با نظریهٔ راولین قرار می‌گیرد که خط فقر را تأمین مایحتاج برای دستیابی به یک سطح حداقل رفاه می‌پندارد که در منطقهٔ مطالعه‌شده از طریق دست‌اندازی به منابع طبیعی و بهره‌گیری از آن برای کسب حداقل‌های رفاهی و معیشتی بوده و در آن با اشکال مختلف تخریب منابع طبیعی همراه شده است.

بنابراین در پایان می‌توان گفت، پایین بودن سطح اقتصادی روستا و درآمد کم خانوارهای روستایی، شرایط استفاده بی‌رویه و غیر اصولی از منابع طبیعی مانند تغییر کاربری اراضی مرتعی و جنگلی به زراعی و همچنین چرای زودرس و طولانی دام‌ها را موجب شده و متعاقب این تخریب، هدررفت اراضی حاصلخیز و فرسایش و تخریب خاک و منابع آب اتفاق می‌افتد. این مهم، به عنوان زمینه‌ای برای فقر بیشتر، مهاجرت و تخلیهٔ روستاها و پیامدهای اجتماعی مانند حاشیه‌نشینی شهری و بیکاری عمل می‌کند.

بنابراین در این تحقیق پیشنهاد می‌شود سیاست‌های فقرزدایی و حمایت از تولیدات و محصولات روستایی در دستور کار دولت و بخش اجرایی به عنوان یک مساله فوری قرار بگیرد. همچنین برنامه‌های ترویجی و افزایش آگاهی ساکنان روستایی در زمینهٔ پیامدهای متعاقب تخریب منابع طبیعی و تشدید وضعیت فقر در قالب مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی (سروی صدرآباد و اسلامی، ۱۳۹۸) نظیر ایجاد، توسعه و تقویت پیوندهای اعتماد و مشارکت محلی در ایجاد همبستگی قوی اجتماعی با هدف هم افزایی عمومی جهت کاهش فقر، استفاده از سرمایه‌های مادی و انسانیو تولید منافع جمعی (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸) انجام بگیرد و اشتغال روستایی در بنگاه‌ها و کارگاه‌های کوچک اقتصادی و تولیدی به خصوص برای قشر تحصیل‌کرده تقویت شود. در همین راستا پرداختن به اکوتوریسم به عنوان حلقهٔ گمشدهٔ اقتصاد که بر روی دو مؤلفهٔ ویژهٔ اقتصاد جامعهٔ محلی و دیگری حفظ محیط زیست تأکید دارد با توجه به ظرفیت قابل توجه مناطق روستایی ایران و گام نهادن در راستای بهبود معیشت جوامع محلی و بومی می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات بوده و در عین حال محیط زیست را به شکل درخوری حفاظت نماید (فرج الهی و اسلامی، ۱۳۹۹). همه این عوامل گره‌گشای بسیاری از

مشکلات اقتصادی و اجتماعی روستایی بوده و زمینه توسعه پایدار روستا را در کنار پایداری منابع طبیعی به عنوان سرمایه ملی فراهم خواهد کرد.

منابع

- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱). درآمدی بر شناخت شداخص هدای نابرابری درآمدی و فقر، تهران: مرکز آمار ایران.
- ارضروم‌چیلر، نسرين (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی. گزارش اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- اسلامی، ایمان، ابراهیم زاده آسمین، حسین و اشتری مهرجردی، اباذر (۱۳۹۸). تحلیل شبکه اجتماعی از مدیریت مشارکتی و سرمایه اجتماعی در میان بهره‌برداران دام در استان یزد. توسعه محلی، ۱۲(۲): ۴۸۳-۵۰۰.
- افتخاری، سیدفرخ و کرمی، آیت‌الله (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی کهگیلویه و بویراحمد. اقتصاد کشاورزی، ۸(۱): ۱۳۹-۱۵۶.
- افتخاری، سیدفرخ (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر فقر روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج، دانشکده کشاورزی.
- امیری‌لمر، مسعود و مرادمندجلالی، عقیل (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی (مطالعه موردی: حوضه ۹ شفارود). نشریه توسعه پایدار جنگل، ۱(۴): ۳۰۹-۳۲۰.
- انصاری، ناصر؛ سیداخلاقی، سیدجعفر و قاسمی، محمدحسن (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور و سهم آنها در تخریب. تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۱۵(۴): ۵۰۸-۵۲۴.
- البرز، مسعود، افتخاری، سمانه و گنجعلی، مجتبی (۱۳۸۶). عوامل تعیین‌کننده احتمال فقر افراد با استفاده از مدل لوژستیک تجمعی ترتیبی. رفاه اجتماعی، ۶(۲۴): ۱۲۵-۱۴۰.
- پورطاهری، مهدی؛ طالبی، حسین و رکن‌الدین افتخاری علیرضا (۱۳۹۰). تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاهش فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی: بخش خلیجستان استان قم. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۵(۲): ۸۰-۶۱.
- داودی‌فارسانی، الهه و نوری‌پور، مهدی (۱۳۹۵). بررسی رابطه فقر روستایی و تخریب مراتع بخش مرکزی شهرستان فارس. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۵(۴): ۶۹-۷۸.

- رحیمی، مجید و محمدی، حمید (۱۳۸۶). شاخص‌های فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی. *رفاه اجتماعی*، ۶ (۲۴): ۱۰۵-۱۲۴
- رحیمی‌سوره، صمد و رضوی، سیدحسن (۱۳۷۵). نگرشی برجایگاه روستا و روستاییان در برنامه‌های فقرزدایی. *مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مساله فقر و فقرزدایی*، ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵، جلد ۱، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- رودگرمی، پژمان؛ انصاری، ناصر و فراهانی ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر در تخریب منابع طبیعی استان تهران. *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۱۸ (۱): ۱۵۱-۱۷۱.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۴). فقر روستایی، روند و اندازه‌گیری آن در ایران (تبیین روش‌ها و نقد رویکردها). *رفاه اجتماعی*، ۴ (۱۷): ۱-۴۱.
- سروی صدرآباد، حسین و اسلامی، ایمان (۱۳۹۸). تحلیل شبکه و سرمایه اجتماعی درون گروهی در مدیریت مشارکتی منابع آب (مطالعه موردی: روستای صدرآباد، حوزه آبخیز ندوشن یزد). *مجله منابع طبیعی ایران، مرتع و آبخیزداری*، ۷۲ (۳): ۷۳۹-۷۵۳.
- شریفی‌نیا، زهرا و مهدوی حاجیلویی، مسعود (۱۳۹۰). نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط زیست (مطالعه موردی: مرتع ممیزی شده شوررود، بخش شیب آب شهرستان زابل). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۷۶: ۶۷-۸۴.
- صلاحی‌اصفهانی، گیتی؛ ایرانشاهی، علی؛ غفاری، علی و تالشی، سیدرامین (۱۳۹۷). تحلیل فضایی فقر روستایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت با استفاده از روش‌های خودهمبستگی فضایی. *مدیریت شهری*، ۵۱: ۱۰۷-۱۲۸.
- عمرانی، محمد؛ فرج‌زاده، زکریا و دهمرده، مجید (۱۳۸۸). عامل‌های تعیین کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان. *مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۱ (۲): ۲۱-۴۲.
- غلامپور، خدیجه؛ محمودی، جلال؛ احمدی، کریم و براتی، مرتضی (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر تخریب مراتع منطقه اشتهاورد شهرستان کرج. *اکوسیستم‌های طبیعی ایران*، ۳ (۱): ۷۵-۸۴.
- فرج‌اللهی، اصغر و اسلامی، ایمان (۱۳۹۹). تحلیل اثر اکوتوریسم بر سرمایه‌های معیشت روستایی در چارچوب پایداری (مورد مطالعه: روستای پالنگان کردستان). *مجله منابع طبیعی ایران، مرتع و آبخیزداری*، ۷۳ (۴): ۸۳۲-۸۴۲.
- کرمی‌موفق، سمانه (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین فقر، نابرابری درآمد و تخریب محیط‌زیست در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه بوعلی سینا.

- Agudelo, C., Rivera, B., Tabasco, J. and Estrada, R. (2003). Designing Policies to Reduce Rural Poverty and Environmental Degradation in a Hillside Zone of the Colombian Andes, *World development*, 31(11), p. 1924.
- Agudelo, C., Rivera, B., Tapasco, J., & Estrada, R. (2003). Designing policies to reduce rural poverty and environmental degradation in a hillside zone of the Colombian Andes. *World development*, 31(11), 1921-1931.
- Ahmad, M.F. (2012). India's Economic Development: Nexus between poverty and environmental degradation. *International Journal of Scientific & Technology Research*, 1(5): 61-66.
- Dzeidzic, N. (2007). World poverty; Thomson Gale Publication, Texas, USA.
- Fisher, J.A., Patenaude, G., Grl, K., Lewis, k., Meir, P., Pinho, P., Rounsevell, M. & Williams, M. (2014). Understanding the relationships between ecosystem services and poverty alleviation: A conceptual framework. *Ecosystem Services*, 7: 34-45.
- Heydari Sareban, V. (2006). Organizing Rural Cooperatives, An Essential Step in Achieving To Sustainable Environmental Development, *Jahad Scientific- Social periodical*, Currency Assistance and Exploiting System of Agricultural Department Publications, No. 275, 26 The Year.
- Khan, I., Saqib, M. & Hafidi, H. (2019). Poverty and environmental nexus in rural Pakistan: a multidimensional approach. *GeoJournal*, <https://doi.org/10.1007/s10708-019-10090-6>
- Murty, M.N. (2009). Environment, Sustainable Development and Well-being, *Oxford*, p. 3.
- Newman, M.E., McLaren, K.P. & Wilson, B.S. (2014). Long-term socio-economic and spatial pattern drivers of land cover change in a Caribbean tropical moist forest, the Cockpit Country, Jamaica. *Agriculture, Ecosystems and Environment*, 186: 185-200.
- Papoli Yazdi, M.H., Rajabi Sanajerdi, H. (2008). The Theory of Urban and Surrounding, *Samt Publications*.
- Rahimi, H., 2001, Studying the Effect of Poverty on Environment, Promotional Scientific Journal for Politico-economic Information (Monthly), *Etela'at Institution Publications*, Sixteenth Year, Nos. 1&2, p.214.
- Scherr, S.J. (2000). A downward spiral? Research evidence on the relationship between poverty and natural resource degradation. *Food policy*, 25(4), 479-498.
- Swinton, M., Escobar, S. & Reardon, T. (2003). Poverty and environment in Latin America: concepts, evidence and policy implications. *World Development*, 31 (11): 1865-1872.
- Van Noordwijk, M. (2019). Integrated natural resource management as pathway to poverty reduction: Innovating practices, institutions and policies. *Agricultural Systems*, 172, 60-71.
- Warf, B. (2006). Encyclopedia of human geography; *Sage Publication*, USA.
- Zeller, M., Manohar, Sh., Carla, H. & Cecile, L. (2006). An Operational Method for Assessing the Poverty Outreach Performance of Development Policies and Projects: Results of Case Studies in Africa. *World Development*, 34(3): 446-464.